

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

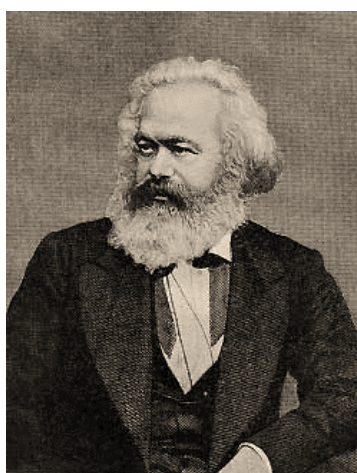
سیاسی

نویسندگان: مارکس-انگلس
برگردان از: حمید محوی
ویراستار پورتال: موسوی
۱۸ جنوری ۲۰۱۹

پرولتاریای جهان متحد شوید!



فردریش انگل



کارل مارکس

گزیده نوشته ها درباره استعمار

۱۱

۱۵- کارل مارکس: گزیده ای از مقاله «مسألة نظامی – امور پارلمان – هند»

بحث در هیأت مربوط به طرح قانون در هند اهمیت خاصی ندارد. ولی معنی دار است که از این پس با تشکیل اتحادیه همه اصلاحات مردود شده و با اعضای حزب سیاسی انگلیس^۱ علیه هم پیمانانش از مدرسه منچستر جبهه منسجمی ایجاد کرده اند.

وضعیت کنونی هند می تواند با چند موضوع توضیح داده شود. دولت در پایتخت ۳٪ درآمد خالص را جذب می کند، و بهره سالانه از قرض برای پایتخت (طلبکار) ۱۴٪، یعنی در مجموع ۱۷٪. اگر از این پولهای سالانه که از هند به انگلستان سرازیر می شود، مخارج نظامی که دو سوم کل هزینه برای هند را تشکیل می دهد کم کنیم، یعنی ۶۶٪،

^۱ Tories

در حالی که مخارج مربوط به کارهای عمرانی بیش از ۳/۴٪، ۲ درآمد کل، و برای بنگال ۱٪، در آگرا^۲ ۳/۴٪، ۷، در پنجاب ۱/۸٪، در مدراس (نام قدیمی چنای کلان شهر کنونی هند) ۱/۲ و در بمبئی ۱٪ درآمدشان می باشد. این ارقام رسمی را خود کمپانی منتشر کرده است.

از سوی دیگر، نزدیک سه پنجاهم کل در آمد خالص مربوط به بهره برداری از زمین است، تقریباً یک هفتم از تریاک، و بیش از یک نهم از نمک. این منابع ۸۵٪ کل درآمدها را تأمین می کند.

کم اهمیت ترین مالیاتها از مدراس گرفته می شود، از فروشگاه ها، حرفه های نساجی، گوسفند، حرفه های مختلف و امثال اینها بالغ بر ۵۰۰۰۰ لیور استرلینگ است، یعنی مبلغی که تقریباً معادل مجالس شام سالیانه خانه هند شرق^۳ است.

بخش مهمی از درآمد از زمین است. شیوه های مختلف حق استفاده از زمین در هند اخیراً به شکل کاملاً قابل دسترسی توضیح داده شده است، در اینجا می خواهم به چند موضوع عمومی درباره نظام زمینداری^۴ و ریوتواری^۵ (رعیت داری) بپردازم.

نظامهای زمینداری و ریوتواری^۶ انقلاب کشاورزی بود که به وسیله فرامین بریتانیاییها، یکی مخالف دیگری به وجود آمد؛ یکی کاریکاتور مالکیت زمین انگلیس و دیگری مالکیت دهقانی از نوع فرانسوی. ولی هر دو خسارتبار بودند، زیرا یکی و دیگری به شکل برجسته ای در تناقض با یک دیگر قرار می گیرند. به این معنا که یکی و دیگری برای مردمی که روی آن کشاورزی می کردند و یا مالک زمین بودند ساخته و پرداخته نشده بود بلکه در راستای مالیاتی بنیانگذاری شده بود که باید به دولت تحویل می دادند.

با نظام زمینداری، مردم ایالت بنگال به یک باره سهم زمین ارثی شان را به نفع مالیات بگیرهائی به نام زمیندار از دست دادند.

با استقرار نظام ریوتواری در مدراس و بنگال، اشراف محلی با مدارک ملکی، میراثدار^۷، جاگیردار و امثال اینها، همانند مردم عادی به کشاورزی که روی زمینی کوچک با دستای خودش کار می کند به نفع مالیات بگیرهائی کمپانی هند شرقی تنزل یافتند.

ولی این زمیندار، مالک زمین انگلیس شگفت آوری به نظر می رسد، زیرا یک دهم درآمد را دریافت می کند و نه دهم را به حساب دولت سرازیر می کند. ریوت (یا رعیت) که به دهقان فرانسوی شباهت دارد نیز شگفت آور است، زیرا هیچ سند دائمی برای زمین در اختیار ندارد و هر سال به نسبت برداشت محصول مالیاتهای متغیری را تحمل می کند. طبقه زمینداران با وجود حرص و طمع بی حد و مرزشان و بی آن که کنترولی روی املاکی داشته باشند که از وارثان زمین تصاحب کرده بودند، زیر فشار کمپانی خیلی زود از بین رفتند و سوداگران سود جوئی جایگزین آنان شدند که در

² Agra

³ India House Est

⁴ Zémindari

⁵ Ryotwari

⁶ همچنین مراجعه شود به یادداشت شماره ۲۹ در مقاله ۷، کارل مارکس: فریبکاریهای روس. شکست گلاستون، اصلاحات سرشارل وود برای هند شرقی.

⁷ میراثدار (میراثدار) Mérasdars، عضو جامعه روستائی در هند قرون وسطی، به ویژه در مناطق غربی و جنوبی. میراثدار فردی را گویند که دارای حق ارث بوده و مالک بخشی از زمین میراثی است. در آغاز قرن نوزدهم، مقامات انگلیس نظام ریوتواری را به راه انداختند و بر این اساس دهقانان به مزرعه داران دولت تبدیل شدند، یعنی روندی که به اضمحلال جوامع روستائی انجامید. اغلب میراثداران از زمین ها و حقوق خود محروم ماندند. بین دهقانان، ثروتمندترینهایشان به فتودالهای کوچک تبدیل شدند.

حال حاضر همه زمینهای بنگال را در اختیار دارند، البته به جز بخشی که به مدیریت مستقیم دولت اداره می شود. این سوداگران نوعی از نظام زمینداری به نام «پاتنی»^۸ را به وجود آوردند. با نارضایتی از جایگاهی که دولت بریتانیا برای آنان به مثابه کارفرمای میانجیگر تعیین کرده بود، طبقه میانجیگر «وارث» به نام «پاتنیدار»^۹ را به وجود آوردند که به نوبت خود زیر مجموعه های دیگری را در پی داشت که سرانجام به تشکیل زنجیره ای از سلسله مراتب میانجیگرها انجامید و با تمام وزنش روی دوش کشاورزان بیچاره گذاشته شد. درباره رعیتها (یا رایوتها) در مدراس و بمبئی، ساخت و ساز به سرعت به هم ریخت و به نوعی کشت اجباری تبدیل شد و زمین تمام ارزش خود را از دست داد.

«آقای کامپبل می گوید، برای حراست از پشتیبانی، زمین باید توسط مأمورانی که مسؤول جمع آوری مالیاتها هستند به فروش برسد، ولی عموماً چنین کاری صورت نمی گیرد، به این دلیل ساده که هیچ کس حاضر به خرید زمین نیست.»^{۱۰}

می بینیم که ما در بنگال ترکیبی از مالکان بزرگ انگلیس داریم که عبارت است از نظام میانجیگرهای ایرلندی، نظام اثریشی تغییر مالکیت زمین به مأمور جمع آوری مالیات و ساخت و ساز آسیائی دولت را به مالک واقعی تبدیل می کند. در مدراس و بمبئی دهقان از نوع فرانسوی^{۱۱} (دهقانی که برای مالک زمین به ازای بخشی از برداشت محصول کار می کند) داریم که در عین حال خدمتکار و دهقانی است که به ازای بخشی از محصول برداشت سالانه اش برای دولت نیز کار می کند. انباشت وجوه منفی همه این ساخت و سازها به حساب دهقان گذاشته می شود بی آن که بهره ای نصیبش شود. رعیتها (رایوتها) مانند دهقانان فرانسوی در استثمار بهره کش های خصوصی هستند، ولی هیچ مدرکی، سند مالکیت ارثی زمین مانند دهقانان فرانسوی در اختیار ندارند. مانند برده ها و سرف ها، رعیت مجبور است روی زمین به کار کشاورزی بپردازد، ولی تفاوت او با برده یا سرف در این نکته است که تضمینی برای رفع نیازمندیهایش ندارد. مانند دهقان فرانسوی، رعیت مجبور است بخشی از حاصل کارش را با دولت تقسیم کند، ولی دولت خود را موظف نمی داند که سرمایه اولیه و یا خسارتهای ناشی از مرگ و میر گله ها را به او بپردازد، خلاف دهقان فرانسوی که از چنین مزایایی برخوردار است. مثل بنگال در نظام زمینداری، در مدراس و در بمبئی، ریوتواری (رعیت داری)، رعیتها که ۱۱/۱۲ از همه جمعیت هند را تشکیل می دهند به فقر سقوط کردند، ولی نه به اندازه مزرعه داران ایرلندی، و این امر مدیون آب و هوایشان و مردان جنوب است که نیازمندیهایشان کمتر و تخیلاتشان نیز از شمالی ها دامنه بیشتری دارد.

همراه با مالیات بر زمین، باید مالیات بر نمک را نیز به حساب بیاوریم و همانگونه که می دانیم، کمپانی انحصار فروش آن را به سه برابر ارزش کالا برای خود حفظ کرده و چنین امری به کشوری تحمیل شده که دارای منابع سرشار نمک است : بحر، بحیره ها، کوه ها و خود زمین. کنت دو آلبارمل^{۱۲} ساخت و ساز عملی این انحصار را چنین توضیح داده است :

«بخش مهمی از نمک به مصرف داخلی در سرتا سر کشور اختصاص دارد و توسط بازرگانان عمده از کمپانی هر ۱۲ کیلو به ۴ روپی خریداری می شود. خریداران نمک سپس نمکها را معمولاً در چند کیلومتری جنوب غربی داکا با شن

⁸ patni

⁹ patnidar

¹⁰ G.Campbell : « Moderne India : a Sketch of the System of Civil Government », London 1852, p.358.

¹¹ Métayer

¹² Comte d'Albemarle

مخلوط می کنند و بار نمک مخلوط را برای میانجیگر دوم، یا اگر دست اول را خود دولت در نظر بگیریم، به سومین انحصاردار به بهای ۵ یا ۶ روپی فروخته می شود. این قاچاقچی دوباره خاک و خاکستر به آن اضافه می کند و نمک پس از عبور از چند دست دیگر به شهرهای بزرگ و دهکده ها می رسد و به بهای ۸ تا ۱۰ روپی به فروش می رسد. مخلوط تقلبی معمولاً بین ۲۵٪ تا ۴۰٪ است. در نتیجه مردم هند نمک را ۳۰ تا ۳۶ برابر گرانتر از مردم انگلستان خریداری می کنند.^{۱۳}

برای درک الگوی اخلاق انگلیس، می توانم از آقای کامپبل یاد کنم که از انحصار تریاک دفاع می کند، زیرا او چینی ها را از مصرف زیاد از حد این افوین باز می دارد، همانگونه که با حفظ انحصار عرق و فروش آن در هند مصرف آن را افزایش داده است.

نظام زمینداران، رعیتها و مالیات بر نمک در ترکیب با آب و هوای هند منشأ وبا و مصیبتی بوده است که می تواند جهان غرب را نیز تهدید کند، نمونه بارز و مرگباری از همبستگی دردها و رنجها و بی عدالتی انسانها.

نوشته کارل مارکس، ۱۹ جولای ۱۸۵۳

منتشر شده در نیویورک دیلی تریبون شماره ۳۸۳۸، ۵ اگست ۱۸۵۳

به امضای کارل مارکس

۱۶- کارل مارکس : نتایج احتمالی استیلای بریتانیا در هند

لندن، جمعه، ۲۲ جولای ۱۸۵۳

نشر نیویورک دیلی تریبون

شماره ۳۸۴۰، هشتم اگست ۱۸۵۳

در این نوشته می خواهم به نتایج مشاهداتم درباره چگونگی استیلای انگلیس و استقرار آن در هند بپردازم. چگونه انگلیس بر هند تسلط یافت ؟

حاکمیت و سلطنت مغول کبیر توسط نائب السلطنه های خودشان درهم شکسته شد و حاکمیت نائب السلطنه ها توسط «ماهارات»^{۱۴} از هم فروپاشید و حاکمیت «ماهارات ها» به دست افغان ها به تاراج رفت و زمانی که همه علیه یک دیگر می جنگیدند، بریتانیایی ها سر بر آوردند و جملگی را به فرمان خود درآوردند.

کشوری که نه تنها بین مسلمانان و هندوها بلکه بین قبایل و کاست ها تقسیم شده بود و جامعه ای که تعادل خود را به نوعی در نفی حکومت مرکزی و اقتدار همه شمول آن جست و جو می کرد و ساخت و ساز آن از یکاهای کوچک روستائی تشکیل شده بود : آیا چنین کشوری و چنین جامعه ای طعمه سهل و آسانی برای ماجراجوئی های کشور گشایانه نبود ؟ اگر از تاریخ گذشته هندوستان چیزی نمی دانستیم، و حتا امروز که بی هیچ شک و شبهه ای هند زیر یوغ انگلیس در آمده و ارتش هند نیز با هزینه هند در اختیار انگلیس قرار گرفته است، آیا باز هم در برابر چنین رویدادهائی شگفت زده می شدیم ؟

هند هرگز نمی توانست از سرنوشت اشغال دائمی خود بگریزد و سر تا سر تاریخ هند نیز انباشته از تهاجمات دائمی می

^{۱۳} مارکس این نقل قول را از سخنرانی آلبمارل در مجلس لردها در اول جولای ۱۸۵۳ استخراج کرده است که در ۲ جولای ۱۸۵۳ در تایمز منتشر شده بود.

^{۱۴} Maharatte (اسم عام) از اهالی ایالت ماهاراسترا Maharastra در هند. در عین زبانی است از خانواده هند و اروپائی که در ماهاراسترا رایج است.

باشد که این کشور متحمل شده است. جامعه هند فاقد تاریخ یا حداقل فاقد تاریخ شناخته شده است. آنچه را که ما تاریخ هند می نامیم، در واقع چیزی نیست مگر تاریخ مهاجمانی که یکی از پس از دیگری، بی آن که با مقاومتی مواجه شوند، در متن جامعه ای را که و منفعل، امپراتوری های خود را بر پا می داشتند. بنابراین پرسش اینجا نیست که آیا انگلستان در تصرف هند بحق بوده و یا نبوده است، بلکه باید به این پرسش پاسخ بگوئیم که آیا تصرف هند توسط ترک یا ایران یا روس را به تصرف بریتانیا ترجیح می دهیم یا نه؟¹⁵

انگلستان در هند عهده دار مأموریتی مضاعف است: تخریب و بازسازی - یعنی انحلال جامعه ای کهن آسیائی و ایجاد زمینه و بنیادهای مادی جامعه غربی در آسیا. عرب ها، ترک ها، تاتارها، مغول ها که یکی پس از دیگری به هند هجوم آوردند، بزودی به «هندی مسلک» تبدیل شدند، زیرا بربرهای پیروزمند بنابر قانونی تاریخی و خدشه ناپذیر، سرانجام در صورتی که سرزمین مفتوحه واجد تمدنی برتر باشد، تابع آن خواهند شد. بریتانیائی ها اولین مهاجمان فاتحی بودند که نسبت به تمدن هند برتری داشتند و جذب تمدن هند نشدند. بریتانیائی ها تمدن هند را با ویران ساختن ساختار جامعه بومی و با تخریب صنایع بومی و با از میان برداشتن هر آنچه که در این جامعه عظیم و گرانقدر به نظر می رسید، تمدن هند را ویران کردند. تاریخ تسلط بریتانیا در هند چیزی به جز روایت ویرانی نیست. با وجود این، کار بازسازی به سختی روی ویرانه ها آغاز شد.

یک پارچگی سیاسی هند به عنوان اولین شرط بازسازی با هماهنگی بیشتر و بیش از آنچه در گذشته و در عهد مغول کبیر به خود دیده بود، سرانجام تحقق یافت. این یک پارچگی که به ضرب شمشیر بریتانیا تحمیل شده بود، از این پس با تلگراف برقی همراه شد و پایدارتر و مستمرتر از همیشه به نظر می رسد. ارتش بومی متشکل و آموزش دیده توسط سرگروهبان مربی بریتانیائی نقطه عطف هندوستانی بود که آزاد می شد و هندوستانی که از این پس طعمه سهل و آسانی برای مهاجمان خارجی نبود. مطبوعات آزاد که برای نخستین بار وارد جامعه آسیائی شده بود، عنصری تازه و نیرومند را تشکیل می داد که در بازسازی کشور شرکت داشت و هندوها و اروپائی ها آن را اداره می کردند. نظام «زمینداری» و «ریوتواری» (رعیت داری) هر چند که آن را نفرت انگیز بدانیم، ولی شامل دو شکل مالکیت خصوصی زمین بود و از جمله رویاهای جامعه آسیائی به حساب می آمد. برخی از هندی زادگان در کلکته و در شرایط نامناسب و تنگ نظرانده تحت آموزش و سرپرستی انگلیس قرار می گرفتند و با این نیت که طبقه جدیدی را به وجود آورند، با کسب قابلیت لازم جذب دستگاه دولتی می شوند. چنین دانش آموزانی معمولاً علوم اروپائی را فرا می گیرند. ماشین بخار موجب شد که هند بسرعت و به شکل دائمی با اروپا در ارتباط قرار گیرد و چندین بندر در سواحل جنوبی و شرقی ایجاد شد و هند از انزوایی که موجب رکود بس دیرینه آن شده بود فاصله گرفت. به زودی با ترکیب راه آهن و کشتی بخار، فاصله زمانی بین انگلستان و هند به هشت روز رسید و دور نیست آن روزی که این سرزمین افسانه ای عملاً به جهان غرب ملحق گردد. توجهات رهبران بریتانیا به مسأله پیشرفت هندوستان، تا کنون کاملاً اتفاقی گذرا و استثنائی بوده است. تا اینجا آریستوکرات ها تنها در فکر فتح هند بودند و سرمایه داران و حکومت سرمایه به چپاول آن نظر داشتند و امید الیگارشی کارخانه دار نیز به تسخیر بازارهای هند با محصولات ارزان قیمتشان خلاصه می شد. الیگارشی کارخانه دار پی برده بود که منافع حیاتی و پر اهمیتش در این است که هند را به کشوری تولید کننده تبدیل کند

¹⁵ مترجم: چنین پرسش ها و برخی دیگر از گفتمان کارل مارکس بوده است که امروز برخی از منقدان را بر آن داشته تا مارکس را حتا به نقض قانون حقوق بشر محکوم کنند (حتا ادوارد سعید). ولی با مطالعاتی که من از نوشته های مارکس داشته ام علت چنین قضاوت هائی را در مطالعه جزئی متون مارکس می دانم.

و در نتیجه برای تحقق بخشیدن به چنین طرحی ضروری بود که سیستم آبیاری و ارتباطات داخلی ایجاد کند. به این ترتیب طرح راه آهن هند را به اجرا گذاشتند، ولی نتیجه چنین طرحی چندان قابل ملاحظه نبود.

روشن است که توان تولیدی هند، به علت فقدان امکانات حمل و نقل و مبادله کالا، در حال انفعال به سر می برد. در هیچ کجای دنیا مثل هند، با وجود فراوانی محصولات و سخاوتمندی طبیعت، عدم امکانات مبادله کالا تا این اندازه به فلاکت اجتماعی منجر نشده است. بر اساس گزارشات سال ۱۸۴۸ به هیأتی از مجلس عوام بریتانیا، به روشنی آشکار شد که «زمانی که هر «کوآتر»^{۱۶} گندم در کاندش^{۱۷} به شش تا هشت شلینگ به خرید و فروش می رسید، در پونا^{۱۸} به ۶۴ تا ۷۰ شلینگ معامله می شد، یعنی جایی که مردم از گرسنگی در خیابان ها به هلاکت می رسیدند. زیرا راه های زمینی قابل استفاده نبود و رساندن آذوقه به کاندش ممکن نبود. راه اندازی راه آهن و ایجاد منبع برای ذخیره آب و حمل خاک برای پر کردن چاله های جاده و هدایت جریان آب در طول خط آهن براحتی می تواند جهت گسترش کشاورزی مورد استفاده قرار گیرد. به این ترتیب نظام آبیاری که شرط اساسی کشاورزی در شرق است، تحول و گسترش عظیمی خواهد یافت و مشکل گرسنگی و قحطی در مناطق مختلف که به علت کمبود آب به شکل دائمی به وقوع می پیوندد از بین خواهد رفت. درباره اهمیت ایجاد راه آهن تنها کافی ست خاطر نشان کنیم که زمینداران زمین های آبیاری شده در مناطق مجاور سلسله جبال «گات»^{۱۹} سه برابر بیشتر مالیات می پردازند، و ده تا دوازده بار بیشتر نیروی کار استخدام می کنند و دیگر این که چنین زمین هائی دوازده تا پانزده بار بیشتر از زمین هائی که دارای نظام آبیاری نیستند محصول به بار می آورد.

راه آهن با مجموعه امکاناتی که ایجاد می کند، حجم مخارج نگهداری مؤسسات نظامی را کاهش خواهد داد. کلنل وارن^{۲۰} فرمانده قلعه «سنت ویلیام»^{۲۱} مقابل هیأت خاصی از مجلس عوام در این باره چنین اظهار داشت: «دریافت اطلاعات از دور افتاده ترین نقطه کشور که در حال حاضر به روزها و هفته های متمادی نیازمند است، از این پس ظرف مدت کوتاهی به انجام خواهد رسید و ارسال فرامین و واحدهای نظامی و آذوقه و مهمات نیز در کوتاه ترین زمان تحقق خواهد یافت و چنین نکاتی را نباید دست کم گرفت. علاوه بر اینها توقف یگانهای نظامی در قرارگاه های دور افتاده در شرایط سالم تری امکان پذیر خواهد شد و به این ترتیب می توان از تلفات انسانی در اثر بیماری جلوگیری کرد، و این از جمله وقایعی است که به کرات اتفاق می افتد. و علاوه بر این نیازی به نگهداری آذوقه در انبارها نخواهد بود زیرا غالباً تحت تأثیر آب و هوا می گندند و به این ترتیب از چنین ضایعاتی نیز جلوگیری خواهد شد. و آذوقه ها را می توان در بازه زمان مصرف مؤثرشان نگهداری کرد.»

می دانیم که ساخت و ساز امور اتحادیه ها و بنیاد اقتصاد جامعه روستائی که مبنی بر رژیم خود گردان سنتی اداره می شد دچار فروپاشی شده است، ولی با این وجود بدترین خصوصیت آنها هنوز به صورت اتوم های قالبی و بی ارتباط با یک دیگر دوام آورده است. انزوای روستا از جمله به دلیل فقدان جاده در هند بوده و فقدان جاده به نوبت خود انزوای روستا را تداوم بخشیده است. به این ترتیب اتحادیه های روستائی در سطح پائین رفاهی، و تقریباً بی ارتباط با

¹⁶ Quarter

واحد اندازه گیری وزن در امریکا و انگلستان معادل ۱۲،۷۰۰۵۸۸ کیلوگرم

¹⁷ Khandesh

¹⁸ Poona

¹⁹ Ghât

²⁰ Colonel Warren

²¹ St. William

روستاهای دیگر و بی هیچ خواست و آرزومندی و تلاش لازم جهت دستیابی به مدارج پیشرفت^{۲۲}، به حیات خودشان ادامه داده اند. بریتانیایی ها با ایجاد راه آهن و اشاعه نیاز به ارتباطات و روابط جدید، رکودی را که شامل روستاهای خود کفا بود در هم شکستند. علاوه بر این، «یکی از تحولاتی که بنای راه آهن در روستاها ایجاد خواهد کرد، آشنائی با ساخته ها و اختراعات کشورهای دیگر است که خریداری کردن آنها صنایع دستی سنتی و مزد بگیران آن را تشویق خواهد کرد تا بهترین امکانات خود را بیازمایند و در تکمیل کاستی های آن بکوشند.» (شاپمن^{۲۳}، پنبه و تجارت در هند).

می دانیم که الیگارشی کارخانه دار انگلیس به ایجاد راه آهن در هند تمایلی ندارد و تنها در حدی عمل می کند که با کم ترین مخارج بیشترین بهره برداری را از کشت پنبه به دست آورد و تنها مشغله آنها الزامات کارخانه هایشان به مواد اولیه است. ولی از زمانی که شما ابزار مکانیکی و ماشین آلاتی مثل وسایل حمل و نقل را به کشوری وارد کردید که دارای منابع آهن و زغال سنگ است، دیگر نمی توانید آن کشور را از تولیدات خود محروم کنید. برای ایجاد راه آهن در کشوری پهناور، شما نمی توانید از مقدمات و فرایندهای صنعتی لازم و ضروری برای رفع نیازهای فوری و جاری در حمل و نقل روی ریل رویگردان باشید. از اینرو باید به گسترش و به کار بستن ماشین آلاتی اقدام کرد که ممکن است الزاماً با بخشهای صنعتی راه آهن ارتباط مستقیمی نداشته باشد. بنابر این راه آهن پیش گام صنایع جدید در هند خواهد بود.

آنچه مسلم است و بنابر اعترافات مقامات عالی بریتانیا، هندیان به شکل بارزی خود را با کارهای جدید وفق می دهند و در کسب آگاهی و مهارت لازم با ماشین مستعد هستند. مثال بارز آن را می توان در قابلیت و مهارت ماشینکارهای بومی، که با سکه کلکته مزد می گیرند و سالهاست که در خدمت راه اندازی ماشین بخار هستند و بومیان دیگری که در به کار انداختن ماشین آلات متنوع بخار در معادن زغال سنگ در هاردوار^{۲۴} فعال هستند و مثال های دیگر. کامپیل شخصاً هر چند که تحت تأثیر پیشداوری های کمپانی هند شرقی است، اجباراً اعتراف می کند که: «توده های عظیم مردم هند از توان و انرژی صنعتی بزرگی برخوردار بوده و دارای استعداد و قابلیت کسب سرمایه علمی قابل توجهی هستند. و علاوه بر این شفافیت ذهنی آنان در ریاضیات و محاسبات و علوم دقیقه بسیار بارز به نظر می رسد.» و اضافه می کند که: «هوش آنان در سطح عالی ست.»^{۲۵}

صنایع مدرنی که از نتایج ایجاد سیستم راه آهن حاصل خواهد آمد، در گسترش خود، تقسیم کار ارثی و سنتی را که در تعلق نظام کاست های هندی است منحل خواهد کرد و به این ترتیب با از میان برداشتن چنین عوامل بازدارنده ای راه پیشرفت و قدرت هند هموار خواهد شد.

با این وجود همه آنچه را که بورژوازی انگلیس در هند انجام خواهد داد به آزادی توده های مردم و بهبود شرایط زندگی آنان نخواهد انجامید، زیرا چنین امر خطیری نه تنها به گسترش نیروهای تولیدی بستگی دارد، بلکه در عین حال می بایستی در تملک و تصرف مردم نیز باشد. ولی آنچه را که بورژوازی از انجام آن باز نخواهد ایستاد، ایجاد شرایط

^{۲۲} مترجم: در حاشیه تنها می خواستم توجه خواننده را به نحو بیانی مارکس جلب کنم که تمناً و آرزومندی را مقدم شمرده و جزء جدائی ناپذیر نیل به پیشرفت دانسته است.

^{۲۳} Chapman, Le coton et le Commerce de l'Inde

^{۲۴} Hardwar

^{۲۵} M.Campbell

« Moderne India : a Sketch og the system of Civil Goverment », London 1852, pp.59-60

مادی برای تحقق بخشیدن به هر دو مورد است. آیا بورژوازی همواره کاری فراتر از این انجام داده است؟ آیا تا کنون پیش آمده است که بورژوازی به پیشرفتی جامع عمل پوشانده باشد بی آن که افراد و مردمان را به خاک و خون نکشیده و در فقر و تهی دستی و ذلت فرو نبرده باشد؟

هندیان از مراحم و محصولات جامعه جدیدی که بورژوازی انگلیس در کشورشان ایجاد کرده است بهره ای نخواهند برد و تا زمانی که پرولتاریای صنعتی در انگستان جایگزین بورژوازی نشود و یا این که خود هندیان به اندازه کافی توان این را نیابند که قاطعانه به سلطه انگلیس پایان ببخشند، تحولی در این زمینه روی نخواهد داد. در هر صورت، باید در زمانی کمابیش دور منتظر باز زائی این کشور بزرگ و پر اهمیت باشیم که اهالی سخاوتمند آن به گفته شاهزاده سالتیکوف^{۲۶}، حتا در بین طبقات پائین از ایتالیائی ها نیز ظریف تر و دقیق تر هستند و در فرمانبرداری آنان آرامش بلند نظرانه ای موج می زند که با وجود کاهلی طبیعی آنان با شهامتی که از خود نشان داده اند افسران بریتانیائی را به شگفتی واداشته اند. کشوری که سرچشمه زبان ها و مذاهب ما ست و در جات^{۲۷} تیپ ژرمنی را تداعی می کند و برهمین نیز یادآور تیپ یونان قدیم به نظر می رسد. با وجود این نمی توانم موضوع هند را بی آن که به چند نکته دیگر اشاره کنم به پایان ببرم.

مکر و ریای عمیق و بربریتی که جزء لاینفک تمدن بورژوائی ست به روشنی خود را در مقابل ما آشکار می کند، زیرا هنگامی که در کشور زادگاهش به اشکال محترمانه ای تظاهر می کند، به محض عبور از مرز و ورود به کشور بیگانه و در مستعمرات نقاب از چهره بر می کشد. بورژواها مدافع مالکیت هستند ولی آیا هیچ حزب انقلابی به انقلابات ارضی نظیر آنچه در بنگال یا مدراس یا بمبئی روی داد مبادرت کرده است؟ آیا در هند این غارتگر بزرگ لرد کلیو^{۲۸} نبود که وقتی بز هکاری های پیش پا افتاده و رایج طمع او را دیگر بر نمی آورد دست به اعمال زور و فاجعه آمیز زد؟ و در حالی که در اروپا درباره تقدس خدشه ناپذیر قروض ملّی نطق می کرد، در هند سود سهام راجه هائی را که در کمپانی سرمایه گذاری کرده بودند توقیف کرد؟ و در حالی که به بهانه دفاع از ارزشهای مقدس مذهبی علیه انقلاب فرانسه مبارزه می کرد، آیا هم او نبود که از گسترش مسیحیت در هند ممانعت به عمل آورد تا همچنان ذنورات زائرین معابد اوریس^{۲۹} و بنگال را به حساب خودش واریز کند و از قاچاق مرگ و تداوم فحشاء در معبد جاگاناتا^{۳۰} بهره برداری کند؟ این چنین اند مردان «مالکیت، قانون، خانواده و مذهب».

نتایج اسفناک صنایع انگلیس در رابطه با هند، کشوری به وسعت اروپا و مساحتی بیش از سه میلیون کیلومتر مربع، ملموس و دهشتناک است. ولی نباید فراموش کنیم که جملگی از نتایج انداموار تمام ساخت و ساز تولید بوده که تا کنون تشکل یافته است. چنین نظام تولیدی بر اساس استیلای تمام قدرت سرمایه داری قوام یافته است. تمرکز سرمایه پایه و اساس بقای آن به عنوان قدرتی مستقل است. نفوذ مخرب چنین تمرکزی در بازارهای جهان روشنگر قوانین اندام واری است که جزء جدائی ناپذیر اقتصاد سیاسی بوده و هم اکنون در گسترده ترین سطوح و در همه شهرهای متمدن جاری می باشد.

دوران بورژوازی در بستر تاریخ عهده دار مأموریت خاصی بوده و عبارت است از ایجاد پایه و اساس مادی جهان نوین و از سوی دیگر فراهم آوردن ارتباطات جهانی مبنی بر رابطه و وابستگی متقابل جوامع بشری و ابزارهای چنین

²⁶ Prince Saltykov

²⁷ Djat

²⁸ Lord Clive

²⁹ Orissa

³⁰ Jagannatha

ارتباطاتی و به همین منوال گسترش نیروی تولیدی در عالم بشریت و تحول در زمینه تولید مادی از طریق تسلط علمی بر عناصر. صنایع و تجارت بورژوائی شرایط مادی دنیای جدید را به همان نحوی تحقق می بخشد که تحولات زمین شناسانه موجب دگرگونی در سطح زمین می شود. زمانی که انقلاب عظیم اجتماعی ساخت و سازهای عصر بورژوائی را تحت سلطه خود گیرد، و بازار جهانی و نیروهای تولیدی مدرن تحت نظارت جامع پیشرفته ترین مردمان درآید، از این پس پیشرفت های بشری از شباهتی که به بت های نفرت انگیز عصر بت پرستی^{۳۱} دارند فاصله خواهند گرفت، یعنی عصری که شراب را تنها در کاسه جمجمه قربانیان نوش می کنند.

ادامه دارد

³¹ Païen, paganisme مترجم : نامی که مسیحیان اولیه در اواخر امپراتوری رم به مذاهب چند خدائی اطلاق می کردند.